

انصاف در قضاوت: آزمون بزرگ ایمان

حسین ابراهیمی! خداوند در سوره مبارک مائده، آیه ۸، می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ... ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزکاری، نزدیک تر است و از (معصیت) خدا بپرهیزید که از آنچه انجام می دهید، باخبر است.»

این آیه، معروف به منشور قرآنی عدالت و انصاف است و از آن آیه هایی است که تمام افرادی که در موضع برخورد و قضاوت درباره دیگران هستند، باید آن را ببینند و به آن عمل کنند. آیه خطاب به کسانی است که ادعای ایمان دارند و درس برای خدا بودن و برپایی قسط و عدل و در گام بعدی، رعایت انصاف در قضاوت های اجتماعی، در این آیه شریف آمده است. رهبر شهید انقلاب درباره این آیه شریف می فرمایند: «مسئله عدالت، یکی از مهم ترین مسائل معرفتی است... البته یک مصداق مهم عدالت، رفع نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و مانند این هاست اما فقط این نیست؛ این یک قلم عمده اش است. عدالت از قضاوت های شخصی ما شروع می شود، عدالت از عمل شخصی ما، حرف زدن ما، داوری های ما در مورد اشخاص، در مورد کارها شروع می شود. و لایچرنگم شَتان قوم علی آلعبیدلو! بعدلوا! اگر با کسی مخالفت هم داریم، دشمنی هم داریم، جدایی فکری هم داریم، درباره اش نباید ظلم کنیم.» (۱۴۲/۱/۲۹)

حکمت

چراغی که در تاریکی روشن ماند

علیهو را حضرت امام علی^(ع) در خطبه چهارم نهج البلاغه، تصویری دقیق از جایگاه اهل بیت^(ع) در هدایت بشر ترسیم می کند؛ جایگاهی که از جنس قدرت و سلطه نیست و از جنس نور و نجات است. آن حضرت می فرماید: «بَنَّا أَهْدَيْنَاهُ فِي الظُّلُمَاتِ؛ به راهنمایی ما از تاریکی بیرون آمدید و به اوج برتری رسیدید.» این تعبیر، هدایت اهل بیت^(ع) را یک توصیه اخلاقی، معرفتی نمی کند و ضرورت وجودی می داند، همان گونه که بدون چراغ، عبور از شب تاریک ممکن نیست، بدون امام نیز خروج از ظلمت جهل و گمراهی، ممکن نخواهد بود. حضرت امیرالمؤمنین امام علی^(ع) در ادامه از مردمی سخن می گویند که در پس پرده دین، پنهان شده بودند و صدق نیت ایشان، پرده از چهره شان برداشت.

امام، خود را بر جاده حق ایستاده می بینند، درحالی که پیراهه های ضلالت در هرسو کشیده شده است و مردم سرگردان، تشنه و گم گشته، به هراهی گام می نهند. این تصویر، امروز نیز آشناست؛ جامعه ای که بدون راهبری الهی، در میان هزار مسیر دروغین، از تشنگی حقیقت می سوزد. نکته مهم خطبه آن است که امام، هدایت را با زور و اجبار پیش نمی برند؛ ایشان منتظر می مانند، نشانه های قریب را در چهره ها می خوانند و با صدق نیت، چهره واقعی افراد را آشکار می کنند. هدایت اهل بیت^(ع)، دعوت به دیدن است، نه تحمیل کردن. آن ها چراغ اند؛ کسی را به رفتن مجبور نمی کنند، اما آن که در تاریکی مانده است، فقط با نور آنان می تواند راه را بیابد. امام در فراز پایانی می فرماید: «لَتَوْفِّقُنَا عَلَى سَبِيلِ الْعَقْلِ وَالتَّائِبِي؛

امروز بر سر دوراهی حق و باطل ایستاده ایم.»

این جمله، پرسش امروز ما نیز هست؛ آیا هنوز چشم به چراغ داریم یا در تاریکی، راه را گم کرده ایم؟ هدایت اهل بیت^(ع)؛ یک نیاز زنده است. هرکه به آن پناه ببرد، از تشنگی نجات می یابد، چنان که امام فرمودند: «عَنْ وَثْقٍ بَنَاءٍ لَمْ يَنْظَفْ، أَنْ كَهْ بِأَبِ اطْمِئْنَانٍ دَارِدٍ، هَرْكَزٌ تَشْنَهْ نَمِيْ مَانِدٍ.»



احکام

حکم شرعی درآمد حاصل از کاشت ناخن

سمانه رضوانی! کاشت ناخن یکی از خدمات رایج در آرایشگاه های زنانه است که در آن با استفاده از مواد مصنوعی مانند ژل، پودر یا اکریل، ناخن های طبیعی را بلندتر یا زیباتر می کنند. با توجه به رواج این حرفه، پرسشی مهم برای شاغلان این حرفه مطرح می شود که آیا درآمد کسب شده از کاشت ناخن، از نظر شرعی حلال است یا خیر. مراجع عظام تقلید در این باره دیدگاه های مختلفی دارند که در ادامه به صورت خلاصه بیان می شود.

شهید آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

اگر کاشت ناخن مانع رسیدن آب به ناخن در وضو و غسل باشد، جایز نیست و دریافت اجرت برای آن نیز حرام است. اما اگر مانع نباشد و مقسده دیگری نداشته باشد، اشکال ندارد.

آیت الله العظمی سید علی سیستانی

کاشت ناخن اگر مانع وضو و غسل باشد، جایز نیست و اجرت آن حرام است. در غیر این صورت، اگر مستلزم کار حرام دیگری نباشد، فی نفسه اشکال ندارد.

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

کاشت ناخن اگر موجب فساد و ترویج بی بندوباری باشد یا مانع وضو و غسل شود، جایز نیست و درآمد آن حرام است. در غیر این صورت، اشکال ندارد.

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی

کاشت ناخن اگر مانع وضو و غسل باشد، جایز نیست و اجرت آن حرام است، مگر برای کسی که ضرورت داشته باشد.

جمع بندی

بنابراین درآمد کاشت ناخن در صورتی که این عمل، مانع صحیح وضو و غسل باشد یا مقسده شرعی دیگری داشته باشد، حرام است. در غیر این صورت و با رعایت ضوابط شرعی، برخی مراجع آن را جایز می دانند. مقلدان باید نظر مرجع تقلید خود را در این مسئله ملاک قرار دهند.

شکر

اشنبه

۱۳ مهر ۱۴۰۵
۲۹ شهریور ۱۴۰۵
۲۸ شهریور ۱۴۰۵

۱۴



معرفی

سید حمیدرضا حسینی دانشور
مدرس حوزه، پژوهشگر علوم رفتاری



گزارش

تبیین لایه های سه گانه محبت زوج های جوان بر پایه آموزه های سیره نبوی

دوستت دارم هایی که تاریخ انقضا ندارند

در منطق دین، محبت یک احساس خاموش و شخصی نیست؛ اندازه دارد، نقص و کمال دارد. پیامبر اکرم^(ص)، محبت حضرت امیرالمؤمنین^(ع) را به سوره توحید تشبیه فرمودند: «علی جان! مثل تو مثل سوره توحید است؛ اگر کسی تو را با زبان دوست داشته باشد، یک سوم ایمانش، اگر کسی تو را با زبان و قلب دوست داشته باشد، دوسوم ایمانش و اگر با زبان و قلب و عمل دوستت بدارد، تمام ایمانش کامل است.» هرچند این روایات در بیان مناقب و فضایل علی^(ع) بوده است، از دل آن یک قاعده درمی آید: «لایه های محبت». محبت از دل آغاز می شود اما در دل نمی ماند. بر زبان جاری می شود اما به زبان ختم نمی شود. محبت تا در عمل به یاری و همراهی نرسد، کامل نیست. این یعنی در محیط خانواده هم، مرتبه کامل محبت همان لایه سوم است؛ دوستی ای که فقط در سینه بماند، خانه ای را گرم نمی کند؛ دوستی ای که فقط بر زبان باشد، دوام نمی آورد و خدمتی که ریشه در دل نداشته باشد، قطعاً نشانه محبت نیست.



خوبی را که نیستی، دوستی نمی ماند!

محبت از دل شروع می شود و دل، تابع نگاه است. نگاهی که فقط عیب را ببیند، کم کم جایی برای عشق و دوستی باقی نمی گذارد. انسان به راحتی بدی را می بیند و خوبی را از قلم می اندازد؛ مثل کسی که در شهر، فقط چاله ها را می شمارد بدون آنکه به اصل ساخت جاده توجه کند. قطعاً محیط خانه با این چشم، آباد نمی شود، چنین نگاهی، همسر را در ذهن به موجودی ناقص بدل می کند و راه محبت قلبی را می بندد. البته این به معنای نادیده گرفتن عیب نیست، بلکه حرف بر سر این است که عیب، نباید تمام چهره زندگی باشد. در این نگاه، دیدن خوبی های همسر، فراتر از یک توصیه صرف برای آرام کردن اختلافات، راهی است برای زنده نگه داشتن محبت قلبی. اگر متصفانه مرور کنیم، فهرست مهریانی ها، صبوری ها، زحمات و همراهی های همسر در زندگی، خیلی بیش از آن چیزی است که ذهن عیب بین، اجازه دیدنش را می دهد.

مراقب زخم های گذشته باش!

یک نکته مهم آن است که محبت، پاداش متقابل برای یک همسر بی نقص نیست؛ دین نگفته است فقط کسی را دوست بدار که همه چیز تمام باشد، بلکه خانه با محبتی ساخته می شود که عیب را بهانه قطع دوستی نمی کند. علاوه بر آن، یک آفت محبت قلبی، زنده کردن بی درپی خطاهای گذشته است. خطا اگر تمام شده باشد، نباید دوباره سر دست بیاید و تمام عمر، یدک کشیده شود. وقتی مدام گذشته را با متن امروز بیامیزیم، دل را تیره می کند و محبت را پیش از زبان و دست، در همان لایه اول می کشد. خطاهای مدفون، اگر رها نشوند، به مرور به منبع کینه تبدیل می شوند و کینه، قلب را از محبت خالی می کند. شاید یک دلیل این همه توصیه و تأکید دینی بر گذشت و بخشش، همین باشد که مدارا و چشم پوشی با خالی کردن دل از کینه، برای محبت جا باز می کند.

بلند بگو، دوستت دارم،

لایه دوم محبت، زبان است. اگر دل دوست می دارد، زبان باید آن را ادا کند و محبتی که در دل بماند و بر زبان نیاید، به ثمر نمی رسد. همین معنا در روایتی از پیامبر^(ص) هم به ما رسید که فرمودند: «سخن مرد به همسرش که می گوید دوستت دارم، هیچ وقت از دل او نمی رود.» البته معنای این سخن را نباید به همین گفتن های سطحی و هرازگاهی فروکااست. محبت، خوراک یک بارمصرف نیست؛ محبت فقط برای ساختن یک خاطره قدیمی نیست. اشتباه بزرگ برخی همین است که تصور می کنند همین که ماه یا هفته پیش، دم در به همسرش گفته است «دوستت دارم»، برایش کافی است! محبت زبانی باید در پهنه زندگی جاری باشد، در تمام لحظات صبح و شب، دیروز و امروز و فردا. آن هم واقعی و نه تصنعی و منفعت طلبانه، نه فقط وقتی نیازی داریم!

همراهی؛ علامت محبت حقیقی

لایه سوم، وقت یاری و همراهی است. اعضای خانه ای که در آن همدلی نباشد، فقط ادعای محبت می کنند؛ چرا که دل دوستدار و زبان ستاینده، باید به کمک و همراهی منجر شود. پیامبر اکرم^(ص) نیز در حدیث دیگری، بهترین افراد را کسانی دانسته اند که خیرشان به خانواده شان می رسد. گشایش، خوش خلقی، مسئولیت پذیری در فشارهای زندگی و دست گیری به جای سرزنش، همه از جنس همین لایه اند. محبت عملی، حضور و همراهی در لحظه نیاز و گرفتاری است. مثلاً وقتی همسر ناخوش است، گرفتن یک مرمخی ساعتی و همراهی او تا مطب پزشک، محبت را برایش قابل لمس می کند. یادمان باشد که مسئله امروز ما فقط پیدا کردن «حس خوب» نیست؛ کافی است سطح محبت خانواده را به همان مرتبه ای برسانیم که توصیه های دینی برای «دوستی واقعی» نشان داده اند؛ لایه قلب، لایه زبان و لایه عمل.

وقتی امید، از دل موانع می جوشد



سید حمید مصطفیان

روزنامه نگار و طبله سنج F حوزه

در مقابل، وقتی احساس بی اثری و بی افقی فراگیر شود، مشارکت کم می شود و هر مانعی می تواند بهانه ای برای کنار کشیدن باشد. البته خود رهبر شهید انقلاب میان امید پیامبر^(ص) و امیدسازی معمولی، تفاوت جدی می گذارند. درباره امید پیامبر می گویند ایشان آن آینده را «به طور واقعی مشاهده می کرد»، اما ما انسان های عادی معمولاً بر اساس تحلیل و شناخت، آینده را ترسیم می کنیم، بنابراین درس امروز، وعده دادن بی پشتوانه نیست؛ ساختن امیدی صادقانه و مسئولانه است. این نکته، تبلیغ دینی را هم از یک انتقال ساده اطلاعات فراتر می برد. پدر، مادر، مبلغ، معلم، مدیر و هر کسی که با انسان دیگری سخن می گوید، فقط با کلماتش اطلاعات منتقل نمی کند؛ گاهی دارد تصویری از «فردا» در ذهن مخاطب می سازد. شاید به همین دلیل است که رهبر شهیدمان در همان سخنان، از دست دادن امید به آینده و اعتماد به نفس را برای

از سنگ برخاست. با دیدن جرقه از آینده ای سخن گفتند که با شرایط آن روز، فاصله ای شگفت داشت؛ فتح کاخ کسری و شکست امپراتوری روم را در جرقه دیدند. رهبر شهیدمان از این رفتار پیامبر^(ص)، با دو واژه یاد می کنند: «امید، اعتماد به نفس.» نکته مهم همین جاست؛ پیامبر^(ص) در شرایطی که نشانه های ظاهری پیروزی چندان دردسترس نبود، اجازه ندادند واقعیت سخت امروز، تمام افق نگاه مردم را اشغال کند. آنان باید خندق را می کردند، گرسنگی را تحمل می کردند و در برابر دشمنی بزرگ می ایستادند اما در ذهنشان قرار نبود این سختی، آخر داستان باشد. از منظر جامعه شناسی، امید فقط یک احساس فردی نیست، بلکه یک سرمایه اجتماعی است. جامعه امیدوار، توان بیشتری برای همکاری، تحمل هزینه ها و حل مسئله پیدا می کند؛ چون اعضای آن احساس می کنند تلاش امروز می تواند به نتیجه ای در آینده برسد.

پیامبر^(ص) در سخت ترین روزها، فقط سنگ خندق را نشکست؛ دیوار ناامیدی را شکست، جامعه ها فقط با نان و امنیت و امکانات زنده نمی مانند؛ یک جامعه به چیزی فراتر از این ها نیاز دارد؛ تصویری از آینده که بتواند به خاطر آن، امروز را تحمل کند. وقتی مردم آینده ای روشن برای خود تصور نکنند، سختی های امروز از یک «دوره دشوار» به یک «سرنوشت ناگوار» تبدیل می شود. شاید یکی از مهم ترین نکات اجتماعی در سیره پیامبر اکرم^(ص)، همین توجه به امید باشد؛ آن هم نه امیدی سطحی و شعاری، بلکه امیدی که در دل بچران ساخته می شود.

رهبر شهید انقلاب در تبیین شیوه تبلیغ پیامبر اکرم^(ص)، به ماجرای خندق اشاره می کند؛ زمانی که مسلمانان در گرمای شدید و گرسنگی مشغول حفر خندق بودند و خود پیامبر^(ص) نیز در کنار آنان کار می کرد. در میانه کار، مسلمانان به سنگ سختی برخوردند که از جابه جایی آن عاجز ماندند. پیامبر^(ص) کلنگ را گرفتند و با ضربه ای سنگ را شکانند. در همان لحظه جرقه ای

درنگ